

سلام کودکانه

یک سال بهتر

چند روز دیگر، عید می‌شود. من نشستم و خاطرات امسال را مرور کردم. بعضی وقت‌ها کارهایی کرده بودم که باعث شد بقیه ناراحت بشوند و من خجالت بکشم. البته خیلی وقت‌ها هم باعث خوشحالی خودم، دوستانم و خانواده‌ام شده بودم. نشستم و یک جدول کشیدم. کارهای خوب و بد را داخلش نوشتم.

به خودم قول دادم که در سال جدید، کارهای خوب بیشتری انجام دهم و دیگر کارهای بد انجام ندهم. از خدای مهربان هم خواستم کمک کند. این طوری حتماً سال بعد سال بهتری خواهد شد. راستی امروز آخرین صفحه «فرقه» سال ۹۸ به خانه شما آمد. در عوض روز چهارشنبه چند صفحه سرگرمی تقدیم شما می‌کنیم.

ارسال نقاشی، قصه،
خاطره، عکس و ...

۰۹۳۵۱۴۳۹۱۴۵۷۶
۲۰۰۰۹۹۹

تصویر سازی ها : سعید مرادی



شعر

سین هفتم

مادر من چیده است
سفره‌ای را در اتاق
در کنار سبزه هست
سرکه و سیر و سماق

ظرف سنجد سمت چپ
سکه‌ها در سمت راست
مادرم خندید و گفت:
سین هفتم پس کجاست؟

من نگاهش می‌کنم
زیرچشمی، بی‌صدا
حتماً او فهمیده است
خورده‌ام من سبب را

شاعر: عفت زینلی



معرفی فیلم

برو برو کوری کارسون

مجموعه کارتون «برو برو کوری کارسون» مخصوص شما کودکان پیش دبستانی و سال‌های اول دبستان ساخته شده است.

«کوری کارسون»، نام ماشین کوچولویی است که امسال به مدرسه می‌رود.

او هر بار، در کنار خانواده، دوستان و ... مطالب جدید یاد می‌گیرد. این‌که چگونه دوست پیدا کند؟ چگونه به دیگران کمک کند؟

با شغل‌های مختلف آشنا می‌شود و ...

شما می‌توانید ماجراهای این ماشین دوست داشتنی را با استفاده از فیلمو ببینید و از تماشای آن لذت ببرید.



شهر قصه

نردبان و ابرهای پشمکی

مژگان توی حیاط خانه مادر بزرگ در حال بپر بپر بود. پری آرزو به او نزدیک شد و گفت: «چرا می‌پری؟» مژگان گفت: «می‌خوام یک دونه ابر پشمکی بگیرم و بخورم». پری قصه گفت: «یک آرزو کن تا برآورده کنم». مژگان گفت: «دوست دارم یک نردبون خوشگل داشته باشم که ۲۰ تا پله داشته باشه، تا ازش برم بالا و ابرهای پشمکی رو بگیرم». پری آرزو چوبش را چرخاند و یک نردبان زیبا که ۲۰ پله داشت ظاهر شد. مژگان خوشحال شد. از نردبان بالا رفت، اما دستش به ابرهای پشمکی نرسید.



آخر مژگان فقط تا ۲۰ را بلد بود و ۲۰ تا پله برای رسیدن به ابرها کافی نبود.

نردبان از این‌که نتوانسته بود مژگان را به ابرها برساند ناراحت بود.

مژگان هم به این فکر می‌کرد کاش جای نردبان چیز دیگری از پری خواسته بود، مثلاً خود ابرهای پشمکی را.

پری آرزو این بار سراغ نردبان رفت و گفت: «یک آرزو کن، هرچی باشه، می‌تونم از من بخواهی یک میز یا پنجره باشی».

نردبان فکر کرد و گفت: «میز شدن خیلی خوبه، اما دوست دارم تبدیل بشم به نردبانی که تا ابرهای پشمکی میره».

بعد هم نگاهی به مژگان کرد و لبخند زد.

نویسنده: دای مصطفی

شما فرستادید

مهمان ناخوانده

نوشته ارسالی از دوست خوب «فرقه»

نگین معصومین کلاس پنجم

نزدیک عید بود. هر سال این موقع چون نزدیک عید بود، داشتیم خریده‌های عید را می‌کردیم، اما امسال مهمان ناخوانده‌ای وارد شهر ما شده بود. آن مهمان ناخوانده حتی پدرم را مجبور کرد بعضی از روزها سر کار نرود. مادرم با این‌که کلی خرید داشت، در خانه ماند. من هم مجبور شدم در خانه بمانم و دلم خیلی برای معلم و دوستان و مدرسه تنگ شد.

این مهمان ناخوانده فقط به شهر ما نیامده بود، به خیلی از جاهای جهان رفته بود. ما تصمیم گرفتیم این مهمان ناخوانده را با شستن دست و روبوسی نکردن و در خانه ماندن بیرون کنیم. مهمان ناخوانده یک ویروس است به نام کرونا. ما با توکل به خدا و نداشتن ترس این ویروس را شکست خواهیم داد.



هنرمند کوچولو

کارت تبریک

چی لازم داریم؟

کاغذ رنگی، مقوا، قیچی،
ماژیک، خط‌کش، چسب و
رنگ

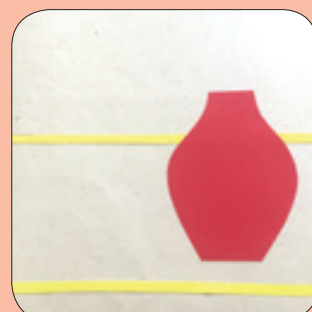


چطوری درست کنیم؟

یک تکه مقوا انتخاب کنید و مثل یک کارت تبریک آن را از وسط تا بزنید. حالا یک کاغذ رنگی انتخاب کنید و مثل گلدان و تنگ ماهی برش بزنید و روی مقوا بچسبونید.

بعد از این کار با ماژیک یا رنگ روی آن‌ها را مثل شکل تزئین کنید. یادتان باشد حتماً روی کارتتان بنویسید
« سال نو مبارک »

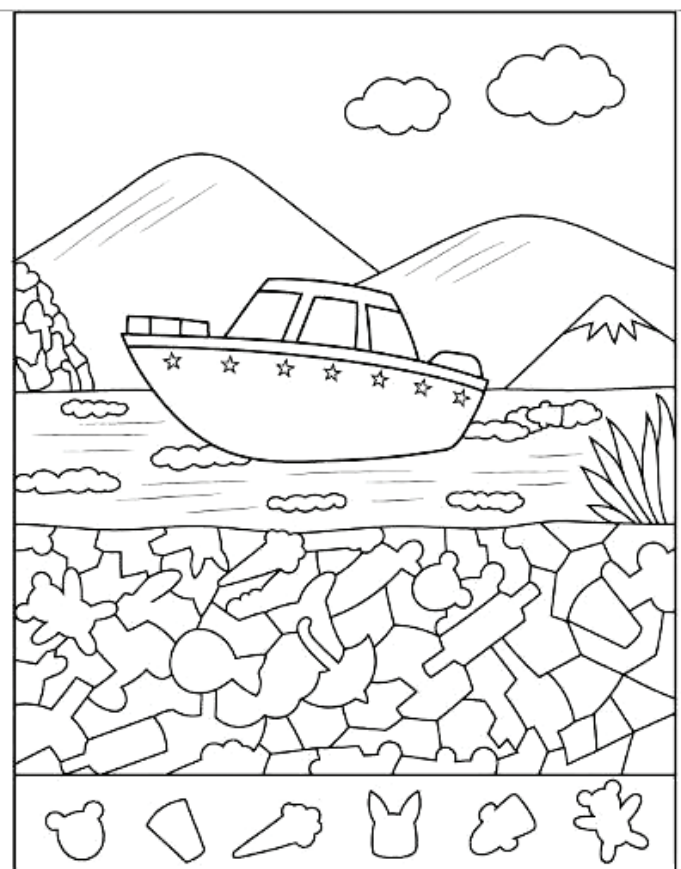
منصوره گلی



سرگرمی و رنگ آمیزی

بگرد و پیدا کن

دوستان خوبم شکل‌های خواسته شده را در تصویر پیدا کنید و بعد تصویر را رنگ آمیزی کنید.



فرقه

صفحه‌ای برای ۵ تا ۱۰ ساله‌ها

روزهای زوج

«زندگی سلام»